



Islamophobia and its relationship with global developments with awaiting approach

Ali asghar Shaban dokht Zarmi ¹

Abstract

one of the most critical crises and fundamental challenges facing Islam in today's world, filled with tools and resources, is Islamophobia and the creation of an atmosphere of fear and terror among people worldwide regarding Islam. This crisis- alongside the global mission of Islam and its objectives for all people, as well as the duty that every Muslim bears toward the religion of God and the light of life on Earth- necessitates not only avoiding indifference but also developing comprehensive and effective strategies.

This article employs a descriptive-analytical library research method to examine the main factors and programs of Islamophobia and then presents the most practical and efficient solutions and operational strategies to counter them. The identified solutions and strategies in this study include:

- Effective use of art and media tools;
- Development of tourism;
- Training human resources;
- Efficiency of the religious system.

Furthermore, the most significant anticipated global developments in response to the Islamophobic onslaught, aligned with these strategies, are highlighted. These include:

- Greater convergence among fragmented groups;
- Moving toward harmonizing diverse systems;
- Engaging the perspectives of other nations and schools of thought.

Keywords: Islamophobia, Solutions and Strategies, Anticipated Global Developments

1. Level 4 scholar, Mooud Specialized Center, Qom, Iran. (shabandokht1995@gmail.com)

اسلام‌هراسی و نسبت آن با تحولات جهانی با رویکرد انتظار

علی اصغر شعبان دخت زارمی^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین بحران‌ها و مشکلات اساسی بر سر راه اسلام در دنیای پر از ابزار و امکانات امروز، اسلام‌هراسی و ایجاد فضای رعب و وحشت در میان مردم دنیا نسبت به اسلام است. این بحران - در کنار رسالت جهانی دین اسلام و هدف‌گذاری آن نسبت به تمامی مردم دنیا و همچنین وظیفه‌ای که تک‌تک مسلمانان در برابر دین خدا و نور زندگی در زمین دارند - ایجاب می‌کند نسبت به آن نه تنها بی‌تفاوت نبود، بلکه برنامه‌ریزی جامع و کارآمدی نیز داشت. در این مقاله تلاش شده با روش توصیفی - تحلیلی کتابخانه‌ای، پس از بررسی عوامل و برنامه‌های اصلی اسلام‌هراسی، به ارائه مهم‌ترین راهکارها و راهبردهای عملیاتی و کارآمد در برابر آن‌ها پرداخته شود. مجموعه راهکارها و راهبردهای یافت شده در این جستار، عبارت‌اند از: استفاده کارآمد از ابزار هنر و رسانه؛ توسعه گردشگری؛ تربیت نیرو؛ و کارآمدی نظام دینی. در ادامه، به مهم‌ترین تحولات جهانی منتظرانه، در برابر هجوم اسلام‌هراسانه و همسو با راهبردها اشاره خواهد شد که عبارتند از: همگرایی بیش از پیش گروه‌های پراکنده، حرکت به سوی هم‌صدایی نظام‌های گوناگون و به میدان کشاندن افکار سایر ملت‌ها و نحلّه‌ها.

واژگان کلیدی

اسلام‌هراسی، راهکارها و راهبردها، تحولات جهانی منتظرانه.

مقدمه

پدیده شوم اسلام‌هراسی، تاریخی به درازای پیدایش اسلام دارد. از همان زمان که پیامبر خاتم صدا به توحید و دعوت به سوی حق را آغاز نمود، موج ویرانگر فتنه‌ها به سوی آن حضرت آغاز شد. فتنه‌هایی که تمامی ابعاد زندگی پیامبر و یاران همراه ایشان را نشانه گرفته بود. از شکنجه و آزار گرفته تا تحریم اقتصادی تا جنگ افروزی و خونریزی تا انواع تبلیغ‌ها و تهمت‌ها؛

۱. دانش پژوه سطح ۴، مرکز تخصصی موعود قم، ایران (shabandokht1995@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

برنامه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بودند که جبهه باطل شامل: مشرکان، یهودیان و مسیحیان و منافقان برای به نابودی کشاندن حرکت تازه آغاز شده به کار بستند و تلاش گسترده‌ای برای به بار نشستن آن‌ها از خود نشان دادند.

همان‌گونه که اشاره شد، بخش مهمی از این سیاست‌گذاری‌ها را حرکت نرم‌افزاری شکل می‌داد که در عنوان «اسلام‌هراسی» خلاصه می‌شود. بر این اساس، اسلام‌هراسی به مجموعه‌ای از تلاش‌ها و رفتارهای جبهه باطل اطلاق می‌شود که ذهن و روح مخاطبان غیرمسلمان را هدف گرفته و به دنبال ایجاد فضای رعب و وحشت نسبت به دین آسمانی اسلام و فاصله گرفتن سایرین از آن است.

پدیده اسلام‌هراسی، حاکی از نوعی تصویر بدبینانه و نفرت‌انگیز از اسلام و مسلمانان است که به بروز رفتارهای تبعیض‌آمیز و آزاردهنده علیه آن‌ها منجر می‌شود. اگرچه این پدیده در گذشته‌های دور ریشه دارد، با گذشت زمان و به خصوص طی سده‌های اخیر با مسائل و موضوعات تازه‌ای همراه شده است. طی سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مصادیق اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در جهان غرب، افزایش محسوسی داشته است. بسیاری از فعالان سیاسی و رسانه‌های غربی از حملات ۱۱ سپتامبر به مثابه ابزاری برای ترویج اسلام‌هراسی استفاده کردند. به عنوان نمونه:

فراخوان تری جونز، کشیش کلیسای کوچکی در ایالت فلوریدا، برای برگزاری مراسم قرآن‌سوزی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۰ - مصادف با نهمین سالگرد ۱۱ سپتامبر - یکی از جلوه‌های تازه این پدیده است. این کشیش - که انگیزه خود را از این اقدام و اقدامات مشابه، فرصت دادن به مسلمانان برای بازگشت از دین خود اعلام کرده بود - نهایتاً در ۲۰ مارس ۲۰۱۱ به تهدید خود، جامه عمل پوشاند و اعتراض‌های وسیعی در جهان اسلام را در پی داشت. به خشونت کشیده شدن برخی از فعالیت‌های اعتراضی، عواقبی از جمله به آتش کشیده شدن مقر سازمان ملل در مزار شریف افغانستان و قتل دوازده نفر از کارکنان آن را در پی داشت. در حال حاضر، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تبدیل به نمادی برای برخی گروه‌های تندرو ضد اسلامی شده است. (آذرکمند، ۱۳۹۵، ص. ۳۰)

با ظهور اسلام و گسترش آن به اطراف و اکناف، جنگ‌های صلیبی تشدید شد. این جنگ‌ها تنها معطوف به بعد نظامی، انسانی و اقتصادی نبود؛ بلکه بنیان‌های ستیز میان جهان غرب و اسلام را نهادینه کرد. در تصویری که غرب مسیحی از پیامبر اسلام ترسیم کرد، حضرت محمد

دشمن و مخالف حضرت عیسیٰ معرفی و صفات دروغینی - همچون افسونگر - به ایشان منتسب شد. شکست فاجعه بار اروپائیان در مقابل مسلمانان سبب شد که آن‌ها حتی به تحریف نام حضرت محمد ﷺ دست بزنند و از او به نام «مخوند» [= اهریمن مجسم، پیامبر دروغین] نام ببرند. روند ستیز غرب و اسلام در قرون بعدی نیز ادامه یافت و گفتمان اندیشمندان غربی مانند «دانت»، «مونتسکیو»، «هگل»، «توماس مور»، «مارتین لوتر»، «ولتر» و «دیدرو» به اسلام‌هراسی دامن زد. این متفکران غربی، با تحریف تاریخ، پیامبر اسلام ﷺ را با صفات نکوهیده‌ای مانند فریبکار، چپاولگر، دجال (ضد مسیح) و ضد کتاب مقدس مسیحیان ترسیم کردند و شرق و اسلام را بدون تاریخ، اسیر خرافه و سنت و پر از امیال وحشیانه طبیعی نامیدند. (آجیلی و قاسمی، ۱۳۹۴: شماره ۶۶)

پیشینه

آثار زیادی درباره اسلام‌هراسی نوشته شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

کتاب «شیعه‌هراسی: روی دیگر اسلام‌هراسی معاصر» به قلم محمدرضا زارع خورمیزی (۱۴۰۳).

مقاله «جستاری در باب اسلام‌هراسی؛ زمینه های شکل گیری و نقد آن» نوشته مرتضی و ملیحه نیک روش رستمی. (۱۳۹۲).

مقاله «واکاوی نقش رسانه های غربی در اسلام‌هراسی معاصر»، نوشته عباس عیسی‌زاده و سیدحسین شرف‌الدین (۱۳۹۷).

مقاله «بررسی پدیده اسلام‌هراسی و راهکارهای قرآنی مقابله با آن»، نوشته زهرا علیزاده و همکاران (۱۳۹۷).

مقاله «مبانی و ریشه های تاریخی اسلام‌هراسی غرب»، نوشته عبدالله ناصری طاهری (۱۳۸۸).

مقاله «زمینه ها و نقاط عطف اسلام‌هراسی رسانه ای»، نوشته عباس عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶).

چنان‌که از موضوع مقالات مورد اشاره مشخص است، رویکرد پردازشی و پژوهشی آن‌ها، اصل اسلام‌هراسی به عنوان یک مانع بر سر راه پایایی و پویایی اسلام است. در کنار این دغدغه شایسته است به نقش این مانع در برابر نقطه اوج و امیدآفرین اسلام،

یعنی روزگار رهایی و جامعه موعود نیز پرداخته شود که در هیچ یک از مقالات فوق به آن اشاره و پرداختی صورت نپذیرفته؛ بنابراین در این مقاله تلاش شد، این بخش از مانع‌تراشی جبهه کفر در برابر آرمان جبهه حق، مورد پردازش و نگاه ویژه قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش

عوامل اسلام‌هراسی

یکی از منابع مهمی که می‌تواند ما را با عوامل اسلام‌هراسی آشنا کند گزارشی است با عنوان: «اسلام‌هراسی؛ چالشی علیه همه ما» که توسط کمیسیون مسلمانان بریتانیا و اسلام‌هراسی تنظیم شده است. کمیونی که در سال ۱۹۹۶ مؤسسه رانیمید تراست تأسیس کرده بود. در این گزارش، هشت برداشت درباره اسلام‌هراسی معرفی شده است:

۱. تمدن اسلامی بلوکی است یکپارچه، ایستا و بدون انعطاف در برابر تغییرات؛
 ۲. تمدن اسلامی جزئی مجزا است که عاری از ارزش‌های مشترک با فرهنگ‌های دیگر است، به نحوی که از آن‌ها تأثیر نمی‌پذیرد و در آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد؛
 ۳. تمدن اسلامی تمدنی است فرودست در برابر تمدن غرب و حاوی بربریسیم، بدویت و جنسیت‌گرایی؛
 ۴. تمدن اسلامی تمدنی است خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده و حامی تروریسم که خود را در رویارویی تمدنی درگیر کرده است؛
 ۵. اسلام، نوعی راهبرد سیاسی است که از آن برای اهداف سیاسی و نظامی استفاده می‌شود؛
 ۶. انتقادهای مسلمانان از غرب، کهنه و منسوخ است؛
 ۷. دشمنی با اسلام، توجیهی برای رفتارهای تبعیض‌آمیز در قبال مسلمانان و طرد آنان از جامعه است؛
 ۸. دشمنی با اسلام، امری عادی و متعارف است. (کاتبی، ۱۳۸۹: ص. ۱۰۳-۱۲۲)
- عوامل گوناگونی برای شکل‌گیری اسلام‌هراسی برشمرده شده است. در این میان، برخی به این عوامل اشاره دارند:

۱. ترس از گسترش اسلام در طول تاریخ؛
۲. جهل نسبت به اسلام؛

۳. تعارض و اختلاف در مبانی فکری و معرفتی میان اسلام و غرب؛

۴. برنامه‌ریزی اتاق‌های فکر غربی؛

۵. متصف کردن اسلام به تروریسم. (عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۶: ص. ۹۲-۹۷)

در ادامه به بررسی مهم‌ترین عوامل یافت شده در زمینه اسلام‌هراسی می‌پردازیم:

اصالت داشتن

دین اسلام مبتنی بر فطرت بشری است:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم: ۳۰)؛

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

حتی از آن بالاتر، متناسب با هر فطرتی در آسمان‌ها و زمین است:

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ (آل عمران: ۸۳)؛

آیا جز دین خدا را می‌جویند؟ با آن که هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می‌شوند.

از این رو از اصالت و قوام کافی برخوردار است.

برخلاف سایر ادیان که به وضوح می‌توان رد پای ساختگی بودن را در آن‌ها رصد کرد. گذشته از آن که تعدادی از آن‌ها از اساس ساخته دست بشر هستند و در این زمینه نیازی به اثبات و استدلال ندارند؛ بنابراین روشن است که باوجود طلای ناب، مس‌فروشان و دلالان بازار انحراف و تحریف به تکاپو افتاده به دنبال بدنام کردن و از سگه انداختن آن باشند.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَتَّقُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ أَمَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَ أَنْ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ﴾ (مائده: ۵۹)؛

بگو: «ای اهل کتاب! آیا جز این بر ما عیب می‌گیرید که ما به خدا و به آنچه به سوی ما نازل شده و به آنچه پیش از این فرود آمده است ایمان آورده‌ایم و این که بیشتر شما فاسقید؟»

مبتنی بر منطق و استدلال

از ویژگی‌های دین اسلام - در برابر تمامی ادیان دیگر - تأکید آن بر محوریت عقل و تفکر در مبانی و زیرساخت‌های آن است. فراوانی نکوهش دوری از تفکر در آیات قرآن، شاهد گویای این مدعاست.

از دیگر سو در آیات متعدد قرآن بر استحکام ادعاها و مبتنی بودن آن‌ها براساس استدلال تأکید شده است. به عنوان نمونه در یک آیه چنین تلاوت می‌کنیم:

﴿أَمْ أَخَذُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ﴾ (انبیاء: ۲۲)؛

آیا به جای او خدایانی برای خود گرفته‌اند؟ بگو: «استدلال‌تان را بیاورید. این است یادنامه هر که با من است و یادنامه هر که پیش از من بوده.» بلکه بیشترشان حق را نمی‌شناسند و در نتیجه، از آن رویگردانند.

همان‌گونه که اشاره شد، هیچ‌یک از سایر ادیان، از زیرساخت عقلانی برخوردار نیستند. این نکته را در آئین یهودیت و مسیحیت - به عنوان ادیان برجسته آسمانی - به وضوح شاهد هستیم. فاصله زیرساختی این ادیان از عقلانیت و منطق، آن قدر زیاد هست که اساساً برای توجیه و ماله‌کشی آن‌ها، دانشی به نام «هرمونیک» اختراع شد. دانشی که با تأکید بر نمادین دانستن گزاره‌های دینی، تلاش برای توجیه بسیاری از مطالب کودکانه و حتی خارج از عرف و عقل موجود در عهد عتیق و عهد جدید دارد. عجیب آن‌که اندیشمندان مسلمان بدون توجه به خاستگاه و ریشه این مسئله، آن را به عنوان یک جریان علمی، در میان خود پذیرفته و آن را به سرفصل‌های علمی و فکری خود افزودند؛ حال آن‌که نیاز چندانی به آن نداشتند و تلاش کردند با پرداخت و نگاه ارزشی به آن، گزاره‌های گویای اسلامی را نیز به چالش بکشانند!

اصرار بر معیارهای اخلاقی

از زیرساخت‌های اساسی دین، به عنوان برنامه زندگی، می‌توان به نگاه و دعوت آن نسبت به عوامل تأثیرگذار در بقاء زندگی فردی و اجتماعی افراد اشاره داشت. در ادامه به سه مورد از مهم‌ترین عوامل در این زمینه اشاره می‌نمائیم:

حیا و عفت

فرد و جامعه برای بقاء خود نیازمند رعایت حدود و مرزهایی هستند که در فرهنگ دینی از

آن‌ها به حیا و عفاف یاد می‌شود. در سطره این دو قانون است که خانه و خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی شکل گرفته و ادامه می‌یابد؛ بنابراین از هر دین آسمانی انتظار می‌رود که حساسیت ویژه‌ای در این زمینه داشته باشد.

اما آنچه ما امروزه در کلیسای مسیحی و مکتب یهودی شاهد هستیم هیچ رابطه‌ای با این فضا ندارد. آزادی دینی استفاده از مشروبات الکلی! از مهم‌ترین نمادهای دوری از فضای حیا و عفاف در این دو دین بزرگ است. رهاسدگی زنان و مردان و سکوت حاکی از رضایت در برابر برهنگی آن‌ها نیز از دیگر نمادها در این زمینه است. اسفبار، آن جاست که ریشه این وادادگی اخلاقی را در کتاب مقدس آن‌ها شاهد هستیم! و نان و شراب، از دیرباز تا هم‌اکنون به عنوان گوشت و خون عیسی مسیح علیه السلام، از متبرکات ثابت کلیساها در هر مکتب و مرامی هستند! حال آن‌که حیا و عفاف، رکن اصلی خانه و خانواده در نظام اسلام است و رعایت حدود و موازین اخلاقی در این زمینه، از تأکیدهای ویژه دستورات دینی است. (مطهری، ۱۳۶۰: ص. ۵۵)

عدالت

عدالت، مهم‌ترین گمشده بشر در طول تاریخ است. گمشده‌ای که بشر از هر توانمندی انتظار برپایی آن را می‌کشد و توقع دارد که دغدغه اصلی هریک از تأثیرگذاران اجتماعی و سیاسی را شکل دهد. متأسفانه در نظام فکری یهودیان و مسیحیان، نشانی از عدالت و عدالت‌محوری یافت نمی‌شود. آن‌جا که تورات، اسرائیلیان را نژاد برتر دانسته و اولویت بقا را به آن‌ها می‌دهد؛ چه توقعی می‌توان از پیروان آن نسبت به برقرار عدالت داشت. حال آن‌که شعار اصلی قیام امام زمان را عدالت‌محوری و برپایی عدالت شکل می‌دهد. (ر.ک: صدوق، ۱۳۶۳: ص. ۶۵ و...)

ظلم‌ستیزی

شعار کلیدی اسلام در زمینه ظلم‌ستیزی در این جمله قرآنی خلاصه می‌شود:

﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۷۹)؛

نه ستم کنید و نه ستم ببینید.

شعاری کوتاه، گویا و صریح.

بنابراین جامعه اسلامی مکلف به پایداری در برابر ستم ستمگران و زیاده‌خواهان است.

تکلیفی که هیچ‌گاه به مذاق جبهه باطل و بازیگردانان عرصه جهانی آن، خوش نیامده و نخواهد آمد.

توسعه اسلام

در تاریخ معاصر، شاهد خشن‌ترین و تند و تیزترین جبهه‌گیری‌ها از سوی جبهه باطل در برابر جبهه حق و اسلام ناب هستیم. بی‌تردید، اتفاقات رخ داده در دوران معاصر در این‌گونه سوگیری و برخورد‌های وحشیانه نقش به سزا و مهمی دارند. نگاهی به موفقیت‌های به‌دست‌آمده از سوی جامعه مسلمان بهترین گواه این مدعاست:

جغرافیایی

پیدایش و افزایش چشمگیر نیروی انسانی مسلمانان در تمامی مناطق دنیا نکته‌ای نیست که بر کسی پوشیده باشد. این پیدایش و توسعه، رواج فرهنگ و تعلیمات دینی را در پی داشته و خواهد داشت؛ و همین رواج، ایجاد و تعمیق انگیزه‌های گرایشی در میان اقشار مختلف مردم در گوشه گوشه جهان را در پی خواهد داشت؛ و این چرخه هم‌چنان ادامه دارد....

بر این توسعه، جغرافیای کاری را نیز باید افزود. حضور شخصیت‌های مسلمان در بخش بیشتری از فضاها تأثیرگذار، لااقل باعث تغییر نگرش عمومی نسبت به اسلام و مسلمانان در جوامع مختلف خواهد شد. از بازیکنان مسلمان در عرصه‌های ورزشی گرفته تا دانشمندان مسلمان در دانشگاه‌ها و جوامع علمی تا سرشناسان مسلمان در عرصه خدمات بهداشتی و اجتماعی و....

سیاسی

از مهم‌ترین اتفاقات تاریخ معاصر، تلاش کاملاً آشکار و پررنگ بسیاری از جوامع مسلمان در راه آزادی از یوق استعمار و تشکیل سرزمینی آزاد و آباد و مبتنی بر دستورات دینی است. این تلاش را می‌توان در کشورهای مستعمره مختلف - از شرق آسیا تا قلب آفریقا - رصد نمود.

رشد استقلال‌خواهی در جوامع مسلمان، حتی اگر با انحرافات و خطاهای راهبردی نیز همراه باشد، گویای یک حقیقت تلخ برای جبهه باطل بود و آن این‌که دوران بیداری جوامع مسلمان، آغاز شده و دیگر نمی‌توان با ابزارهای پیشین، آن‌ها را به بردگی گرفت.

در تاریخ معاصر، شاهد استقلال و بیرون راندن اشغالگران از بسیاری از جوامع مسلمان هستیم. از مهم‌ترین این وقایع را می‌توانیم در کشور خودمان ایران شاهد باشیم. این موج

بیداری اسلامی و اسلام‌خواهی، نکته‌ای قابل چشم‌پوشی و نادیده گرفتن از سوی جبهه باطل نیست. به‌ویژه که در این دوران، هر از چند گاه، شاهد شعله‌ور شدن این حس و احساس در میان یک یا چند جامعه مسلمان هستیم.

فرایند احیای هویت اسلامی و بیداری اسلامی که در سالیان اخیر شاهد آن هستیم، از عوامل مهم ایجاد پدیده اسلام‌هراسی است. رفتارهای خصومت‌آمیز و ترس و نفرت از اسلام و مسلمانان، رشد و پیشرفت مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده و باعث طرد آن‌ها از جامعه شده و مسلمانان، دچار یأس و خودکم‌بینی شده بودند. پدیده بیداری اسلامی و تجدید حیات اسلامی بازگشتی نو به سوی اسلام در جهان امروزه است. به این معنا که همه عقب‌ماندگی‌ها ناشی از دور شدن از اسلام بوده است.

بعد از شکل‌گیری و ایجاد انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه این بیداری اسلامی حرکت و رنگ و بوی دیگری به خود گرفته و با سرعت بیشتری نسبت به سابق در حرکت است به‌گونه‌ای که نتیجه آن در قاره آفریقا و کشورهای منطقه به خصوص کشورهای عربی که خودباوری‌شان را از دست داده بودند و تحت استعمار غربی‌ها بودند اکنون تلاش می‌کنند که خود را به ایران عزیز برسانند و البته این حرکت عظیم به وضوح قابل مشاهده می‌باشد و حتی خود غربی‌ها هم نمی‌توانند آن را انکار کنند. (اقبالی و جعفری، ۱۳۹۰: ص. ۵۰-۵۵)

فرهنگی

توسعه سرزمین‌های مسلمانان در کنار توسعه گردشگری‌ها و رفت‌وآمدهای متقابل مسلمانان با سایر کشورها و ملیت‌ها، رواج فرهنگ اسلامی در بسیاری از جوامع را در پی داشت. وجود غذای اسلامی، یا محیط‌های متناسب با فرهنگ اسلامی در بسیاری از اماکن و جوامع، از آثار این توسعه و جاافتادگی فرهنگی است.

افزایش گرایش غیرمسلمانان به اسلام از ادیان مختلف - چه آسمانی و چه غیر آن - باعث شده است که روزه‌روز بر جمعیت مسلمانان و به خصوص شیعیان افزوده شود؛ و این امر موجب شده است که غربی‌ها دست به کار شوند و به تحرکات اسلام‌هراسانه خود بیش از پیش بپردازند تا بتوانند از حرکت و پیشروی دین مبین اسلام و مسلمانان جلوگیری کنند.

غربی‌ها از نظر فرهنگی، برای اسلام‌هراسی، از عملیات روانی استفاده کردند. عملیات روانی،

عبارت است از استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و سایر امکانات، به منظور تأثیرگذاری بر افکار، احساسات، تمایلات و رفتار گروه‌های دوست، دشمن و بی‌طرف، برای دستیابی به اهداف اصلی.

عملیات روانی دارای دو بُعد است:

۱. ماهیت و منطق درونی که عبارت است از تلاش برای تأثیرگذاری بر افکار، احساسات، تمایلات و سرانجام رفتار، با بهره‌گیری از ارتباط اقناعی؛
 ۲. و نتیجه کاربردی این تأثیرگذاری و تغییر رفتار که با توجه به هر دسته از مخاطبان (دوست، دشمن و بی‌طرف) کاملاً متفاوت و جداگانه است.
- بخشی از اهداف موردنظر در عملیات روانی را مسائل سیاسی تشکیل می‌دهند، نظیر تبلیغات فارسی رادیوهای غربی با هدف ایجاد تفرقه در جوامع اسلامی، به‌ویژه ایران. و بخش دیگر آن، مسائل نظامی هستند، نظیر تبلیغات دستگاه جنگ روانی یک واحد نظامی برای سست کردن انگیزه نبرد در نفرات نیروی مقابل. (رضاقلی‌زاده، ۱۳۹۲: صص. ۱۷۱-۱۵۱)

برنامه‌های اسلام‌هراسانه

هوچی‌گری

پرداختن به راهبردها و راهکارهای رسانه‌ای در حوزه اسلام‌هراسی، از پرداختن به خود اسلام‌هراسی مهم‌تر است. (آذرکمند، ۱۳۹۵: ص. ۳۰)

هیاهوهای بسیار برای برهم زدن تمرکز فکرها و فطرت‌ها، از ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهکارهای جبهه طاغوت در برابر جبهه حق بوده و هست.

نمونه‌ها

اتهام‌زنی

از دیروز که سنت همیشگی کافران و منکران پیامبران الهی، اتهام‌زنی به آن‌ها و دروغ‌پراکنی علیه ایشان بوده است:

﴿كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ﴾ (ذاریات: ۵۲)؛
این‌گونه است که هیچ‌گاه پیامبری به‌سوی پیشینیان نیامد مگر آن‌که او را ساحر یا دیوانه خواندند.

﴿وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرِيكَوَا أَهْتِنَا لَشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ﴾ (صافات: ۳۶)؛

می‌گویند: ما به خاطر شاعری دیوانه دست از خدایان مان برداریم؟!

﴿وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْنَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ (فرقان: ۵)؛

گفتند: «[این قرآن] افسانه‌های پیشینیان است که صبح و شام بر او دیکته می‌شود.»

و آیات فراوان دیگر...

و این که اگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر سر کار بیاید به شما چیزی نخواهد رسید.

تا به امروز که دین اسلام را با انواع تهمت‌ها و بی‌مهری‌ها، در دید عموم مردم، زشت و پلید جلوه می‌دهند. تهمت‌هایی همچون: دین بی‌رحم و خشن، عقب مانده از شتاب خیره‌کننده دانش، مخالف آزادی‌های مشروع، باقیمانده در آداب و رسوم قرن‌ها پیش، و این که اگر حاکمیت دین برقرار شود، جامعه به سوی قهقرا و نابودی حرکت خواهد کرد.

در نمونه‌هایی عملیاتی‌تر، اقدام به کشتن نویسندگان نشریه شارلی ابدو و هجوم رسانه‌ای به اسلام و پیامبر رحمت و در پی آن نمایش سیاسی سیاستمداران در فرانسه و حمایت دولت‌های غربی از انتشار میلیونی نشریه شارلی ابدو با کاریکاتورهای موهن نشان از یک برنامه حساب شده داشت تا چهره‌ای منفی و سیاه از دین مبین اسلام به نمایش بگذارد. این حرکت به گونه‌ای چهره‌پردازی شده بود که تمام تاریخ سیاه غرب در قرون وسطا، جنگ‌های مذهبی کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها، برده‌داری، استعمار و کشتار مردم بومی استرالیا، آمریکا، آفریقا و چین، جنگ‌های جهانی با میلیون‌ها کشته و جنگ سرد و تب و تاب آن به دست فراموشی سپرده شود.

این در حالی است که تنها، هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا بارها و بارها مردم عادی را هدف قرار داده است. کشتار کودکان غزه، مردم عراق، زندان ابوغریب و شکنجه‌های سازمان یافته انسان‌ها و هزاران جرم و جنایتی که در همین ده سال اخیر انجام شده توسط سیاستمداران غربی به هیچ انگاشته شده است. (رضایی، ۱۳۹۳: صص. ۷-۱۴)

چند صدایی

از دیروز که سردمداران جبهه کفر و نفاق، در برابر صدای رسای اسلام، به سردادن صداهای دروغین اقدام کردند تا صوت دلنشین اسلام به گوش‌ها نرسیده و از دل‌ها دور بماند. برخی از اقدام‌ها در این زمینه عبارت بودند از:

سر و صدای فراوان در برابر تلاوت قرآن

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (فصلت: ۲۶)؛

و کسانی که کافر شدند گفتند: «به این قرآن گوش مدهید و سخن لغو در آن اندازید؛ شاید شما پیروز شوید.»

و ترویج برنامه‌های شب شعر و قصه‌سرایی تا آن جا که در میان مسلمانان صدر اسلام، شغلی به نام «قصه‌گویی» پدید آمد و افرادی از سرشناسان صحابه هرروز برای مردم، از قصه‌ها و ماجراهای پیشینیان می‌گفتند! (رضایی، ۱۴۰۰: ج ۱، ص. ۵۰-۵۵)

تا به امروز که جبهه استکبار با تکثیر صداها در دنیای امواج زمینی و هوایی، با عناوینی همچون تکثرگرایی، پاسخ به تنوع‌طلبی انسان، بالا بردن حق انتخاب در برابر انسان مختار و آزاد، فرصت‌سازی برای شنیده شدن، ظاهراً به دنبال ترویج آزادی‌های مشروع انسانی است ولی در حقیقت با هدف گم شدن صدای دین و به گوش شنونده نرسیدن آن، به این اقدام‌ها دامن زده و دامنه آن نیز روزه‌روز گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌گردد.

سیاست دوگانه غرب نسبت به اسلام و مسلمانان نشان می‌دهد اسلام‌هراسی در غرب، از سوی دولت‌های غربی، برنامه‌ریزی شده است. برای نمونه وقتی نشریه شارلی ابدو به ساحت پیامبر اسلام ﷺ و به عقاید حدود دو میلیارد انسان توهین می‌کند، با حمایت سازمان‌های غربی، حامی حقوق بشر خوانده می‌شود؛ اما هنگامی که موريس سين، کاریکاتوریست این نشریه در سال ۲۰۰۹ کاریکاتور فرزند یهودی رئیس‌جمهور این کشور را که به دلایل مالی به یهودیت گرویده بود، منتشر می‌کند محکوم و مجازات می‌گردد.

از طرف دیگر، آن‌ها به شدت با اندک تلاش مسلمانان برای بیان حقایق در مورد اسلام جلوگیری می‌کنند، مانند محدود کردن شبکه‌های ماهواره‌ای مستقل و یا جلوگیری از اکران فیلم‌های ارزشی، نظیر زندگانی پیامبر رحمت ﷺ در جشنواره برلین و... (رضایی، ۱۳۹۳: ص. ۷-۱۴)

تحلیل و نقد هدفدار

از دیروز:

به وسیله یهودیان و مسیحیانی که در داخل یا گوشه و کنار جامعه مسلمانان می‌زیستند و تلاش می‌کردند با استفاده از جایگاه و دانش دینی خود به نقد اسلام بپردازند.

﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (آل عمران: ۷۲)؛

گروهی از یهودیان و مسیحیان گفتند: «ابتدای روز به آنچه بر مسلمانان نازل شده ایمان آورید و آخر روز، به آن کافر شوید. شاید به این شیوه، مسلمانان دست از دین خود بردارند.»

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْكُتٌ قَدِيمٌ﴾ (احقاف: ۸۱)؛

کافران به مؤمنان گفتند: «اگر [اسلام] خوب بود، شما هیچ وقت از ما به آن پیشی نمی گرفتید.» و چون هدایت نیافتند خواهند گفت: «این دروغی قدیمی است.»

تا به امروز:

در قالب برنامه‌های پژوهش محور یا گفتگو محور و به ظاهر با رویکرد گفتگوهای آزاد و عقل‌گرایانه درباره دین و در واقع با رویکرد نقد دین به وسیله:

نشان دادن و بزرگ‌نمایی مسائلی از آن که با روندهای رایج در جامعه سازگار نیست و مواردی که به دروغ وارد دین شده است. این موارد که متأسفانه هم‌چنان در منابع مکتوب مسلمانان در دسترس است و علمای اهل تسنن در برابر آن‌ها هیچ موضع مشخص و قاطعی نداشته‌اند بهترین خوراک برای شاخه تحلیلی و ترویجی اتاق فکر جبهه باطل در برابر جبهه حق و به منظور به گل نشاندن کشتی آن است. کتاب آیات شیطانی که برآمده از همین مطالب منابع اهل تسنن است نمونه گویایی از این تلاش مبتنی بر واقعیت‌های منابع مسلمانان است.

تلاش برای تحریف و انحراف

از دیرباز با تلاش یهودیان و مسیحیان برای تحریف آیات قرآن:

﴿أَفَتَضْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۷۵)؛

امید دارید [یهودیان] ایمان آوردند؟ حال آن‌که گروهی از آن‌ها کلام خدا را به این هدف می‌شنوند که پس از فهم آن، آگاهانه به تحریفش بپردازند!

و نیز تحریف زندگانی انبیای الهی به گونه‌ای که با رفتار پیامبر اسلام ﷺ در تعارض نشان داده شود مثل اسرائیلی‌هایی که درباره حضرت موسی ﷺ و حضرت داود ﷺ و حضرت سلیمان ﷺ و سایر پیامبران الهی در کتاب‌های خود وارد کرده و از این طریق تلاش داشتند

آن‌ها را به عنوان حقایق تاریخی به جامعه مسلمان وارد سازند و به این وسیله وجود هرگونه حریم و قداست برای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را نفی و شکسته و ایشان را برای جامعه مسلمان در حدّ یک انسان معمولی پائین بیاورند. تلاشی که متأسفانه به بار نشست و در منابع اهل تسنن شاهد انواع بی حرمتی‌ها و هتّاکی‌ها نسبت به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و حریم قدسی ایشان هستیم.

تا به امروز که اسلام‌هراسی در صد سال اخیر با هراس از اسلام سیاسی شروع شد. احسان آذرکمند مدیر گروه هنر، ارتباطات و فضای مجازی اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه صداوسیما در چهاردهمین نشست تخصصی آرمان هیأت به موضوع «اسلام‌هراسی و راهکارهای رسانه‌ای مواجهه با آن»، یکی از اهداف غرب برای اسلام‌هراسی، تبلیغ مذاهب ساختگی در جوامع مسلمانان بوده و هست. در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی، غرب با نقشه‌های استعماری‌اش عملاً تمام سرزمین‌های کشورهای اسلامی را تحت سیطره و سلطه خود درآورده بود، لذا برای حفظ منافع استعماری و ادامه سلطه بر مسلمانان شروع به دسیسه و نفاق انداختن نمود و برای عملی شدن این توطئه خطرناک، مذاهبی را ایجاد کرد تا از این طریق، نیات شومش را که همانا از بین بردن یکپارچگی و همبستگی مسلمانان بود عملی نماید و با مشغول کردن مسلمانان به خودشان فرصت استفاده از حقائق و معارف اصیل را از آن‌ها گرفت؛ چراکه اگر مسلمانان به معارف اسلام و هویت اسلامی آشنا می‌شدند دیگر استعماری در سرزمین کشورهای اسلامی وجود نداشت. غرب برای ادامه و استمرار سلطه بر کشورهای اسلامی سه فرقه ضاله را در سه منطقه اسلامی تأسیس نمود:

۱. وهابیت در حجاز؛

۲. بهائیت در ایران؛

۳. قادیانیه در شبه قاره هند. (شفیق، ۱۳۹۷: صص. ۱-۱۹)

پرورش و توسعه نیروهایی دست‌آموز با ظاهری کاملاً منطبق بر یک شخص مسلمان و با هدف به لجن کشاندن دین اسلام در اذهان عمومی. القاعده، داعش، طالبان، تحریرالشام و بوکوحرام؛ نمونه‌هایی از این لجن‌پراکنی‌ها در سالیان اخیر هستند که بیشترین کارایی آن‌ها سیاه‌نمایی چهره اسلام و نشان دادن توخّش حاکم بر مسلمانان است. توحشی که ریشه در دین و آموزه‌های آن دارد! تلاشی که نه تنها هیچ‌گاه از سوی جامعه مسلمانان محکوم و طرد نشد بلکه نادیده گرفته شدن یا سکوت در برابر آن از سوی بسیاری از عالمان مسلمان، راه را برای پذیرش این توخّش دینی هموارتر نمود. متأسفانه همراهی و بلکه پشتیبانی این جریان‌ها

از سوی کشورهای مرجع مسلمان همچون عربستان سعودی و جریان وهابی حاکم بر آن، همچون نفتی بر این آتش، بُعد تأثیرگذاری مخرب آن بر اذهان عمومی و افکار مردمان مختلف را به شدت افزایش می‌دهد.

این در حالی است که بسیاری از این روشنفکران و کارشناسان اتاق فکر، آشنایی چندانی با تاریخ اسلام و معانی قرآن ندارند، به تفسیرهای غلط از واژه جهاد دست می‌زنند و به مردم و سیاستمداران در غرب هشدار می‌دهند که القاعده، داعش و بوکوحرام با تبعیت از آموزه‌های قرآنی در پی استقرار خلافت اسلامی و شریعت در سراسر دنیا هستند و در این راه، از دست زدن به هیچ جنایت و خشونت‌ی ابا ندارند. (آجیلی و قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۵۴)

دلیل بررسی آشوب جهانی، این است که ابهامات و نتایج آن با آینده رفاه افراد در چهارگوشه جهان سروکار دارد و خاورمیانه، مرکز این آشوب و بی‌ثباتی است. تحولات سریع و درگیری‌های مختلف خاورمیانه باعث شد تا فضا را برای سرریز تنش‌های سیستمی قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل به این منطقه مهیا ساخت. در پی این فرایند، آشوب‌های منطقه در سطوح گوناگون شکل گرفته است در حالی که چشم‌انداز نظم‌پسین هم‌چنان تیره است. تحولات کنونی در خاورمیانه - شامل: وضعیت عراق، سوریه، لبنان و موضع‌گیری‌های متفاوت و متعارض کشورهای منطقه در قبال این تحولات - را باید در چنین بستری تحلیل کرد و باید گفت از دل همین بستر است که نظم بعدی شکل خواهد گرفت، نظمی که می‌تواند به صورتی آشکارا یا پنهان عناصر تنش‌زای منطقه‌ای را در خود پرورش دهد. (عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۶: صص. ۷۵-۹۲)

راهبردها و راهکارهای مقابله

اکنون و پس از بیان و آشنایی با عوامل اساسی اسلام‌هراسی، نوبت آن است که با راهبردها و راهکارهای منطقی و دینی مقابله با آن آشنا شویم. براساس جستار صورت گرفته، مهم‌ترین این راهبردها را در چهار گزینه می‌توان رصد و پیگیری نمود:

استفاده کارآمد از ابزار هنر و رسانه

پرداختن به راهبرد و راهکارهای رسانه‌ای در حوزه اسلام‌هراسی از پرداختن به خود اسلام‌هراسی مهم‌تر است. وقتی حرکت‌های تجددخواهی و روشنفکری در جامعه نخبگان مسلمان جهان و کشورهای مختلف شکل گرفت، عده‌ای به فکر افتادند که اگر با همین روند و

معیارها و شاخصه‌ها مسلمانان بتوانند هویت خود را بازیابی کنند، این کار خطر بسیار بزرگی را برای کشورهای غربی رقم خواهد زد. در هر حال، گوشه‌ای از توانمندی‌های در دسترس مسلمانان در برابر تمامیت اسلام‌هراسی عبارت است از:

سینمای مستند

تلاش در راه تولید مستندهای گویا و محکم درباره جوامع دینی موجود در گوشه و کنار دنیا. جوامعی که مبتنی بر ارزش‌هایی که از دین یافته‌اند، براساس چند اصل: احترام متقابل، دستگیری و همیاری، نشاط و پویایی و معتقد به آرمان‌های دینی، به مسیر خود در پیشبرد جامعه و همچنین در تعامل با سایر ملل و نحل ادامه می‌دهند. شخصیت‌های موفق و چهره‌های برتر نیز در این میان نباید مورد غفلت واقع شوند. در برابر، ارائه مستندهایی از پشت پرده جوامع به‌ظاهر پیشرفته و برخوردار از قلّه دانایی و سیاستمداری، بهترین مسیر برای به چالش کشاندن تمامی سیاست‌های اتاق فکر جبهه باطل در زمینه اسلام‌هراسی است. این‌گونه مستندها آن‌گاه به تأثیرگذاری حداکثری خود نزدیک‌تر می‌شوند که به سیاست‌گذاری‌های پیدا و پنهان جبهه جهانی استکبار در برابر جبهه حق پرداخته و با پرداختن‌ها و به تصویر کشیدن‌های مختلف نسبت به آن در گوشه گوشه جهان، بیشتر پرده از چهره پلید اسلام‌هراسان بردارند.

سینمای نمایشی

سفارش و ساخت فیلم‌هایی با موضوع معیارها و ارزش‌های دینی و به نمایش کشیدن تقابل آن‌ها با آنچه در دنیای امروز به عنوان ارزش، پذیرفته شده، راهکار مؤثر و بی‌بدیل دیگری در برابر تمام سیاست‌های جبهه باطل است. این تولیدات اگر براساس فرهنگ‌ها و رفتارهای حاکم بر جوامع مختلف ساخته و پرداخته شوند، از قدرت بازدارندگی و تأثیرگذاری بالاتری برخوردار خواهند بود.

توسعه خبری

جبهه حق برای بالا بردن تاب‌آوری افراد خویش در برابر هجوم رسانه‌ای دشمن نیازمند توسعه خبری است. توسعه‌ای که مبتنی بر چند اصل: صداقت، صراحت و سوگیری‌های منصفانه باشد.

با توجه به خلأ موجود در این زمینه در دنیای امروز، ضرورت توسعه خبری از این دست، کاملاً احساس می‌شود. به‌ویژه که رسانه‌های خبری جوامع مسلمان نیز عموماً از سه اصل یاد شده و یا لااقل برخی از آن‌ها تهی هستند. تا آن‌جا که جافتاده‌ترین رسانه‌های مسلمان، آن‌هایی هستند که نه تنها بر مبنای سکولار حرکت می‌کنند، بلکه در جنبه‌هایی از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های خویش، پیرو محض جریان حاکم بر رسانه‌های جبهه باطل هستند.

توسعه گردشگری

با توجه به هجمه سنگین غرب به دین اسلام و مسلمانان، وظیفه اندیشمندان و متدینان ادیان آسمانی و آزادگان عالم است که با درایت و تدبیر علمی و عملی، جهان را متوجه این‌گونه حرکات ناصواب که ریشه در تفکر اومانیستی دارد، نموده با مقابله عاقلانه و حکیمانه، این تهدید را به فرصت تبدیل کنند. تردیدی نیست کسانی که چنین حرکت‌هایی را در قالب‌های فرهنگی و علمی، به جامعه بشری تحویل می‌دهند، به اصل و ریشه اسلام آگاهی کامل ندارند. (رضایی، ۱۳۹۳، صص ۷۰-۱۴)

یکی از بهترین ابزارها در این زمینه، به توسعه گردشگری مربوط می‌شود. این برنامه از یکسو فرصت را برای برقراری ارتباط آزاد و مستقیم با متفکران و آزاداندیشان مسلمان و غیرمسلمان فراهم می‌آورد؛ و از سوی دیگر، بستری برای آشنایی با فرهنگ دینی مسلمانان است. این آشنایی فرهنگی از سه راه، قابل دسترسی است:

بوم‌گردی دینی

تشکیل گروه‌های کوچک از میان گردشگران و هدایت آن‌ها به مناطق سنتی و کمتر دست‌خورده دینی، یکی از راه‌های آشنایی دنیا با فرهنگ دینی کشورهای اسلامی است. مناطق بومی، با توجه به برخورداری بیشتر از آداب و رسوم دینی و سنتی به یادگار مانده از پیشینیان، جذابیت‌ها و هیجان خاص خود را دارند و برای هر بومگرد مسلمان و غیرمسلمانی جالب توجه خواهند بود.

روشن است که این کار، نیازمند برنامه‌ریزی کارآمد و سیاست‌گذاری خاص بر مناطق هدف گردشگری است.

گردشگری زیارت

این نوع از گردشگری از مهم‌ترین انواع گردشگری مطرح در دنیای گشت و گذار است. امروزه، جمعیت بسیاری، علاقه‌مند به بازدید از اماکن مذهبی مختلف و آشنایی با افکار و

آرمان‌های مذاهب گوناگون هستند. بسیاری از کشورهای اسلامی با توجه به برخورداری از اماکن مذهبی جالب و جذاب، از ظرفیت بسیار بالایی در این زمینه برخوردار هستند. ظرفیتی که بدون تردید اگر به شکل یک جریان خاص در گردشگری در نظر گرفته شود - نه این‌که در کنار طبیعت‌گردی و شهرگردی و... تعریف شود - می‌تواند نقش مؤثری در تغییر نگاه مردم جهان نسبت به اسلام و احکام و قوانین آن داشته باشد.

شاید از همین رو است که یکی از اهداف تعریف شده برای جریان‌های تکفیری، به هرگوشه از سرزمین‌های مسلمان که پا می‌گذارند، نابودی مظاهر دینی و آثار به یاد مانده در این زمینه از روزگاران پیشین است.

گردشگری مناسب

اسلام در این نوع از گردشگری، سرآمد تمامی مذاهب و مکاتب دنیا است. وجود انواع مراسم‌ها و مناسبت‌های دینی در دین اسلام و همچنین در سرزمین‌های مختلف، باعث شده تا مجموعه‌ای از رفتارهای فرهنگی و دینی جذاب و جالب‌توجه به وجود آید که بسیاری از مردم دنیا از دیدن یا تجربه آن، به اوج هیجان و احساس خواهند رسید و فضایی کاملاً متفاوت از حال خوب و دریافت انرژی‌های روح‌افزا را درک خواهند کرد.

نمونه‌های فراوان این نوع از گردشگری را می‌توان در کشورها و مناطق مختلف شاهد بود. مثل مراسم مربوط به جشن غدیر، جشن نیمه شعبان، عزاداری عاشورا، پیاده‌روی اربعین و... بر این ظرفیت‌های بزرگ، باید ظرفیت‌های خرد مناطق مختلف همچون مراسم مشهد قالی را نیز افزود.

تربیت نیرو

از مهم‌ترین راهکارهای تبیین دین و جلوگیری از موفقیت جبهه باطل در لجن‌پراکنی علیه آن، ایجاد مجموعه‌های تربیتی بر پایه آموزه‌های اسلام در نقاط مختلف جهان است. این مجموعه‌های دینی که از مهدکودک تا دوره‌های پیش‌دانشگاهی را شامل می‌شوند نقشی اساسی در تربیت نسل منعطف به دین و مقاوم در برابر اسلام‌هراسی دارند.

اولویت در این مجموعه‌ها در مناطق مختلف، متفاوت است. به این‌گونه که در مناطقی که حساسیت‌ها کمتر و آزادی‌ها بیشتر است، می‌بایست به صورت رسمی و با استعدادیابی مناسب، از میان کودکان و نوجوانان بومی هر منطقه افرادی را گزینش نموده و در فضایی اسلامی و مطابق با دستورات دینی آن‌ها را تربیت نمود.

اما در مناطقی که حساسیت‌ها بیشتر و کارها سخت‌تر است می‌توان از ظرفیت کودکان کار یا کودکان بی‌سرپرست که در تمامی سرزمین‌ها و کشورها وجود دارند استفاده کرده و با شکل دادن انجمن‌های خیریه مردم‌نهاد، نسبت به استعدادیابی و جذب از میان آن‌ها با اهداف انسان‌دوستانه بهره‌جست و سپس در فضایی مطابق با دستورات دینی به تعلیم و تربیت آن‌ها اقدام نمود.

کارآمدی نظام دینی

روشن است که مهم‌ترین گزینه برای خنثی‌سازی تمامی اقدام‌ها علیه دین، برخورداری از سیاست دینی سالم و کارآمد است. نظام دینی از آن‌جا که در پیشانی جامعه مسلمان قرار دارد، از هرسو و از سوی هر قشر و گروهی، مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد. از این رو موفقیت نظام دینی در شکل‌دهی و اداره جامعه دینی، بهترین و کارآمدترین راه در برابر تمامی سیاست‌گذاری‌های جبهه باطل در راه به بن‌بست کشاندن دین و معرفی غلط آن است. همچنین کاملاً مشخص است که به میزان ناکارآمدی نظام دینی، از میزان تأثیرگذاری آن بر سایر افکار و اذهان، کاسته شده و بر میزان موفقیت جبهه باطل در لجن‌پراکنی علیه دین و اسلام خواهد افزود.

تحولات جهانی منتظرانه

در کنار تمامی آنچه گذشت، هیچ‌گاه نباید از یک نکته که مهم‌ترین نکته نیز هست غافل شده و نسبت به آن سستی و کاهلی نمود. عرصه پیش روی بشریت، جهانی آکنده از عدالت و نورانیت را شکل می‌دهد. جهانی که اهمیت آن هیچ‌گاه نیازمند استدلال و برهان نبوده و قدیمی‌ترین آروزی بشر از ابتدا تاکنون است. جهان موعود، چنان پیچیدگی‌ها و سختی‌های خاص خود را دارد که بدون زمینه‌ها و مقدمات شایسته و بایسته خود، هیچ‌گاه قابل تحقق و دستیابی نیست.

از نکات مهم در این زمینه، این است که برخی از این مقدمات، براساس روند طبیعی جامعه بشری و در طول تجربه‌هایی که انسان، در طول قرن‌ها زندگی خویش به دست آورده فراهم می‌شوند. جالب‌تر آن‌که، برخی از این بسترهای مناسب، در سایه سیاست‌های دشمنانه و براندازانه جریان باطل و جبهه شیطان شکل می‌گیرند. سیاست‌های شیطانی جبهه باطل، در کنار تمامی آسیب‌ها و تلفاتی که برای حق و پیروان حقیقت به همراه دارد، از یک ظرفیت

مناسب به نفع مظلومان و دین‌داران نیز برخوردار است که همان هموارسازی مسیر برای پیشرفت این جبهه است.

در سایه سیاست‌های ویرانگر جبهه شیطان است که جامعه متدینان و دینداران و آزاداندیشان عالم، با حق و حقیقت، آشناتر شده مسیر درست تاریخ را راحت‌تر تشخیص خواهند داده و همراهی و همگرایی بیشتری نسبت به آن را تجربه خواهند نمود. آری، این‌گونه است که: عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.

﴿يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ (حشر: ۲)؛

خانه‌های‌شان را به دست خود و همچنین به دست مؤمنان ویران می‌سازند. پس ای صاحبان چشم! پند بگیرید.

در ادامه به برخی از مهم‌ترین دستاوردهای مثبت سیاست‌های جبهه باطل برای جریان حق و حقیقت اشاره می‌کنیم:

همگرایی بیش از پیش گروه‌های پراکنده

در دنیایی که جبهه استکبار و باطل، تمام تلاش خود را به کار بسته تا جامعه مسلمان را هرروز پراکنده‌تر و تکه‌تکه‌تر از دیروز نماید، شاهد همگرایی و نزدیک‌تر شدن قلب‌ها و گروه‌ها به یکدیگر هستیم.

نکته جالب در این زمینه، همگرایی مشهود و چشمگیر جریان‌هایی است که از فرقه‌ها و نحله‌های مختلف هستند و هریک در فضای فکری خاص خود قرار دارد و حتی در پاره‌ای موارد، از نظر فکری و نظری، با جریان دیگر، تقابل و تضاد دارند. این تحول چشمگیر و خیره‌کننده را می‌توان مهم‌ترین پدیده جهانی منتظرانه و در راستای جهان متحرک به سمت ظهور معرفی نمود.

همگرایی گروه‌های مختلف جهادی از فرقه‌های مختلف و حتی متعارض و همچنین به یکدیگر نزدیک‌تر شدن تشکّل‌های اجتماعی و فرهنگی موجود در کشورهای مختلف اسلامی نمونه‌هایی گویا در این زمینه هستند.

از راهکارهای اساسی و بنیادین برای جلوگیری از اسلام‌هراسی، توجه به مبانی و اندیشه اسلامی چه از جهت خودآگاهی مسلمانان و چه از جهت جلوگیری از انتشار افکار غیرصحیح در میان جهانیان می‌باشد. قرآن کریم، تفاوت آراء و دیدگاه‌ها را کاملاً طبیعی می‌داند ولی از باقی

ماندن و رسوب کردن این اختلافات و این که به رأی و نظر واحدی نرسد نهی می‌کند؛ زیرا باعث پراکندگی نیروها و از بین رفتن قوا و مانع از بهره‌گیری از تمام امکانات موجود در راه پیشرفت می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۴۶ انفال می‌فرماید:

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

ترجمه: و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپویید که در اثر تفرقه ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد. بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید که خدا همیشه با صابران است. (اقبال و جعفری، ۱۳۹۰: صص. ۵۰-۵۵)

حرکت به‌سوی هم‌صدایی نظام‌های گوناگون

در دنیای امروز، شاهد شکل‌گیری نظام‌های جدیدی از سوی مسلمانان هستیم. نظام‌هایی که زمانی از مسلمانان افراطی و متوحش به شمار می‌رفتند، رفته‌رفته و در طول زمان با درک این موضوع که زندگی در جهان امروز، اقتضائات و شرایط خاص خود را می‌طلبد، حرکتی قابل توجه به سمت سیاسی شدن و جهانی‌شدن را در پیش گرفته‌اند.

این پدیده هرچند می‌تواند از جنبه‌های دیگری به عنوان یک تهدید در نظر گرفته شود، ولی از این لحاظ که این گروه‌ها به این میزان از درک و شعور رسیده‌اند که دست از کشتارها و رفتارهای وحشیانه برداشته و اهداف پلید خود را از راه و قالب‌های سیاسی پیگیری کنند، حرکتی روبه‌جلو و در راه تکامل به شمار می‌آید که می‌توان به آن از دید یک فرصت‌نگریسته و بر روی تکامل هرچه بیشتر آن متمرکز شد و امیدوار بود.

این حرکت نیز حرکتی کاملاً موازی با ظهور و همچنین برچیدن بساط اسلام‌هراسی به شمار آمده و در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

به میدان کشاندن افکار و اذهان سایر ملت‌ها و نحل‌ها

در دنیای امروز و پس از وقوع جنایت‌های وحشتناکی که از سوی یهودیان صهیونیست رخ داد، جهان، شاهد خیزشی غیرقابل باور از سوی مردم گوشه و کنار دنیا در راستای محکومیت گسترده این رفتارها بود.

خیزش و خروشی که در هیچ حادثه و جنایت دیگری، نمونه ندارد. حتی به جرأت می‌توان

ادعا نمود، هیچ تحلیل سیاسی و اجتماعی دقیق و کاملی برای ایجاد و توسعه آن نیز ارائه نشده است.

این خیزش و خروش که نشان‌دهنده اوج‌گیری و رواج نوعی از بلوغ اجتماعی در میان مردم دنیا از شرقی‌ترین تا غربی‌ترین نقطه است، نویدبخش‌ترین حرکت جهانی منتظرانه به شمار می‌آید. منتظرانه از آن جهت که به دنبال براندازی ظلم و ستم به هم‌پیوسته قدرت‌های جهانی علیه بشریت است؛ و در واقع، صدا و فریاد خود را بر سر جبهه استکبار جهانی برآورده است. از این رو این حرکت، حرکتی در راستای ظهور و انتظار پیدایش نظم نو در عالم، تحلیل و ارزیابی می‌شود. انتظاری که کاملاً همسو با آموزه‌ها و فرهنگ اسلامی است و هرگونه اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی را در این زمینه خنثی و نابود می‌سازد.

نتیجه‌گیری

براساس تمامی آنچه گذشت، این نتایج به دست می‌آید:

۱. مهم‌ترین عوامل اسلام‌هراسی به نقاط قوت اسلام باز می‌گردد که در برابر، نقاط ضعف سایر مکاتب و ادیان آسمانی و زمینی به شمار می‌آیند. عواملی همچون اصالت داشتن، ابتدا بر منطق و استدلال و اصرار بر معیارهای اخلاقی متناسب با فطرت بشری.
 ۲. مهم‌ترین برنامه‌های اسلام‌هراسانه در برابر حقانیت دین اسلام عبارتند از هوچی‌گری، تحلیل و نقد هدف‌دار و تلاش برای تحریف و انحراف.
 ۳. مهم‌ترین راهبردها و راهکارهای جبهه حق در برابر تمامیت سیاست‌های شیطان و جبهه باطل، عبارتند از: استفاده کارآمد از ابزار هنر و رسانه، توسعه انواع گردشگری معطوف به دین، تربیت نیروهای جهانی و کارآمدی نظام دینی.
- در کنار تمامی آنچه گذشت، باید به ظرفیت‌های به وجود آمده در اثر سیاست‌های ظالمانه و ویرانگر جبهه شیطان و باطل نیز توجه داشت. ظرفیت‌هایی که در صورت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب، بهترین فرصت‌ها را در اختیار جبهه حق برای پیشبرد هرچه بهتر و سریع‌تر اهداف خود قرار خواهد داد. مهم‌ترین این ظرفیت‌ها عبارتند از: همگرایی بیش از پیش گروه‌های پراکنده، حرکت به سوی هم‌صدایی نظام‌های گوناگون و به میدان کشاندن افکار و اذهان سایر ملت‌ها و نحله‌ها.

منابع

قرآن کریم

- _ ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین. (۱۳۶۳). *کمال الدین*، قم: انتشارات اسلامی.
- _ اقبالی، مسعود؛ فاطمه، جعفری، *بررسی پدیده اسلام‌هراسی و راهکارهای قرآنی مقابله با آن*، مجموعه مقالات همایش کوتاه بررسی ابعاد اسلام‌هراسی.
- _ آجیلی، هادی؛ قاسمی، روح‌الله. (۱۳۹۴). اتاق‌های فکر ایالات متحده و انگلستان در ترویج راهبرد اسلام‌هراسی (رویکرد تحلیل گفتمان). *مطالعات راهبردی بسیج*، ۱۸ (۱)، پیاپی ۶۶، ۱۲۵-۱۵۴.
- _ رضاقلی‌زاده، بهنام. (۱۳۹۲). عملیات روانی با تأکید بر اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی در رسانه‌های برجسته غرب، *مطالعات عملیات روانی*، ۹ (۴) پیاپی ۳۶، ۱۰۹-۱۲۶.
- _ رضایی، حسن. (۱۳۹۳). اسلام‌هراسی در غرب و راهبرد مواجهه با آن. *جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل*، شماره ۵.
- _ رضایی، مجتبی. (۱۴۰۰). *تبارانحراف*. قم: شهید کاظمی.
- _ شفیق، مهدی. (۱۳۹۷). اسلام‌هراسی و تبلیغات فرهنگی غرب در رسانه‌ها، *معارف اسلامی و تبلیغ و ارتباطات*، شماره ۱۲، ۱-۱۹.
- _ عیوضی، محمدرحیم؛ فلاح حسینی، مهسا. (۱۳۹۶). اسلام‌هراسی و سناریوهای پیش روی آن، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲۳.
- _ مطهری، مرتضی. (۱۳۶۰). *نظام خانواده در اسلام*، تهران: انتشارات صدرا.